

## مطالعه تطبیقی اعلام حق در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین المللی

محمد علی قاسمی<sup>۱</sup>، محمد مقدم فرد<sup>۲</sup>

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی

۲ مدرس گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مطالعه تطبیقی اعلام حق در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین المللی می باشد بی گمان تحقق عدالت و اجرای حق در جامعه با توجه به پیوند وثیق آن با مقوله تأمین امنیت قضایی شهروندان همواره از دغدغه‌های اجتماعی پیشوایان آسمانی و نیک‌اندیشان عالم بوده است. عدالت کیفری یکی از مهمترین آرزوهای بشر در طول تاریخ بوده که تحقق آن در پرتو برگزاری دادرسی عادلانه مبتنی بر فراهم نمودن حق دادخواهی و دفاع ممکن خواهد شد. از منظر حقوق موضوعه، اصل ۳۴ ق.ا.ج.ا. حق دادخواهی و اعلام حق را به رسمیت شناخته و ضمانت اجرای تخلف از این اصل را که منجر به سلب حقوق اساسی فرد می‌شود، در ماده ۵۷۰ ق.م.ا. پیش‌بینی کرده است. تقریباً در تمام اسنادی که تاکنون درباره حقوق بشر به تصویب مراجع بین المللی رسیده است مضمون واحدی به چشم می‌خورد، این اسناد به طور خلاصه بر این نکته متفق اند که بشر از حق، حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است که باید الزاماً و به گونه ای موثر از آن حمایت شود و دولت‌ها موظف اند در صورت نقض این حقوق تدابیر مطمئن برای احقاق حق افراد فراهم آورند، استقرار نظم عمومی در یک جامعه پیشرفته محتاج به قوانینی است که محتوای آن بامعیارهای صحیح سنجیده شده و شایستگی و توان پاسداری از نظم جامعه را داشته باشد. در میان انبوه قوانین، قوانین کیفری به طور قطع و بالاخص مقررات مربوط به دادرسی کیفری نقش عمده‌ای در بقاء و دوام نظم جامعه ایفاء می‌نماید. تعقیب و محاکمه و صدور حکم محکومیت درباره بزهکاران و در عین حال ممانعت از صدمه به حقوق آنان و نیز حفظ افراد شریف و پاکدامن و جلوگیری از صدور محکومیت‌های نارواکه از اهم اهداف آیین دادرسی کیفری است، همه ارتباط دقیق بانظم جامعه داخلی و همچنین بین المللی دارد. بدیهی است در معاهدات و کنوانسیون های بین المللی در واقع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سه جزء دارای وابستگی متقابل از مجموعه جامع تری هستند. اجزای مختلف با حقوق مدنی و سیاسی نیز ارتباط دارند. در مرکز حقوق اجتماعی حق بر سطح مناسب زندگی وجود دارد (ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۴ عهدنامه حقوق کودک) بهره مندی از این حقوق، حداقل مستلزم این است که هر کسی باید از حقوق لازمه زیست - حق بر غذا و آب کافی، لباس، خانه و شرایط لازم مراقبت - برخوردار باشد.

**واژه‌های کلیدی:** حق، اعلام حق، قانون آیین دادرسی کیفری، اسناد بین المللی.

## مقدمه

طبق اصل ۳۴ قانون اساسی؛ اعلام حق، حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد. (آشوری، ۱۳۹۲: ۳۱۶) حق سکوت متهم یکی از ویژگی‌های برجسته قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است و به موجب این قانون متهم می‌تواند صحبت نکند و سکوت اختیار کند و تقاضای حضور وکیلش را داشته باشد. این موضوع برای اولین بار است که در قانون به صراحت آمده است؛ که «قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ضابطین را مکلف کرده که حقوق دفاعی متهم را همانند حق سکوت و داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی (دادسرا) به رسمیت بشناسند و عملاً اعلام حق نمایند تا هم شاکی و هم متهم نسبت به حق مسلم شان آگاه باشند» (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۲۴) در رویه معمول اگر وکلا از جانب متهم اعلام وکالت می‌کردند عملاً یا وکالت‌شان پذیرفته نمی‌شد یا غیرقانونی بود و یا در صورت پذیرش اجازه مداخله و مطالعه پرونده و ارائه لوایح را به آنها نمی‌دانند، اما در قانون جدید آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده که در اکثر جرایم به محض اینکه متهم تحت نظر قرار گرفت حق دارد که وکیل داشته باشد و در جرایم خاص (مواد مخدر) و سازمان یافته متهم تا یک هفته پس از تحت نظر قرار گرفتن حق ندارد وکیلی داشته باشد و بعد از آن می‌تواند وکیل داشته و حتی در بدو امر با وکیلش ملاقات کند. از نظر شرع انور نیاز، اصلاح ذات البین و حل و فصل اختلافات و دعاوی مردم در جهت اعلام حق از وظایف ذاتی حکومت است و نظر غالب فقها نیز بر ارائه رایگان خدمات قضایی در حکومت اسلامی است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بی تردید، گام‌های مهمی را در راستای رعایت حق و حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست که به موجب آن، کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف می‌شوند. در واقع دل‌نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرایند رسیدگی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این مقررات توسط قانونگذار شده است. می‌توان گفت که اعلام حق از جمله مفاهیم حقوقی بسیار مهم در قدیم الایام تا کنون در حلق داخلی و اسناد بین‌المللی بوده است اساساً رسیدن حق و احقاق از جمله مهمترین شاخصی بوده که بشریت همیشه در طول تاریخ دنبال آن بوده است و از طرف دیگر همچنان که در تاریخ می‌بینیم اولین قانون مدون به نام قانون حمورابی برای احقاق حق تدوین می‌گردد تا از این طریق مظلوم مورد ظلم بیشتر قرار نگیرد یا به عبارت امروزی بزه‌دگی مکرر ایجاد نشود و هر فرد به حقوق مادی و عنوی خود برسد. توجه به حقوق متهم و شاکی از موضوعات مهم در عرصه حقوق موضوعه و بین‌المللی تلقی می‌شود. این مسأله به صورتی دقیق در سیستم قانونگذاری اسلامی بر مبنای اصل کرامت انسان و اصل عدالت و امنیت مورد توجه خاص قرار گرفته است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید «خداوند برای شما شهری را الگو معرفی کرده که در آن امنیت بسیار حکمفرما بود و مردم آن در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنان می‌رسید» (گلیپایگانی، ۱۳۶۲: ۴۱۴) خداوند متعال در بیانی بلیغ به اجرای حق در امر قضاوت فرمان داده، می‌فرماید چون بین مردم حاکم شوید به عدالت داوری کنید (نساء، ۵۸). امیرمؤمنان در ضرورت امارت برای حفظ حق و امنیت در خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید «برای مردم حاکمی لازم است، چه نیکوکار و چه بدکار که مؤمن در عرصه حکومت او به راه حقش ادامه دهد و کافر بهره‌مند از زندگی گردد. راه‌ها به سبب او امن گردد و در امارت وی حق ناتوان از قوی گرفته شود تا مؤمن نیکوکار راحت شود و مردم از شر بدکار در امان گردند» (هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴). همچنین بند ۳ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، مواد ۷ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند، بند ب ماده ۱۹ بیانیه قاهره نیز به این حق اشاره نموده‌اند. (هاشمی، ۱۳۹۳: ۱۱۲) در این پژوهش به طور اختصاصی به اعلام حق در حقوق داخلی و بین‌المللی و مبحث حقوق متهم در جریان برگزاری دادرسی عادلانه اشاره می‌گردد. لیکن از آنجا که حقوق متهم فرع بر حقوق شاکی بوده است و در واقع قانونگذار اولاً و بالذات احقاق حقوق مدعی یا شاکی را مد نظر قرار داده؛ ثانیاً و بالعرض حقوق متهم را نیز ملحوظ داشته است، (هاشمی، ۱۳۹۴: ۶۹) لذا در قوانین بسیاری از کشورها در راستای

تضمین حقوق شاکی به عنوان متضرر از جرم، راهکارهایی پیش‌بینی شده که در ضمن پژوهش مباحث فوق مورد بررسی قرار گرفته و نتایجی ارائه می‌گردد. (گزارش گالیندوپل به مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۳) از طرف دیگر حق سکوت حقی تنها و مجزا از سایر حق‌ها نیست، بلکه ترکیبی از آنهاست. وقتی از حق سکوت سخن گفته می‌شود، فرض بی‌گناهی، تکلیف دادستان به اثبات رکن‌های تشکیل دهنده جرم و منع شکنجه متهم برای گرفتن اقرار و اطلاعات به ذهن متبادر می‌شود. این حق‌ها را می‌توان تضمین‌کننده حق سکوت متهم نامید که بر پایه اصل آزادی بیان و لزوم رعایت کرامت و شرافت متهم استوار است.

بنابر آنچه متقدمان و متخصصان کیفری امروز گفته‌اند، حفظ جامعه در قبال خطر بزهکاران با تعیین قوانین کیفری کم و بیش شدید تأمین نخواهد شد، بلکه قوانینی که کشف سریع جرم و محکومیت قطعی بزهکار به مجازات را ممکن سازد در تحقق این هدف مفید و مؤثر خواهد بود. (ناصر زاده، ۱۳۹۲)

آیین دادرسی کیفری باید طوری تدوین شود که با پیش‌بینی سازمانهای قضایی مجهز و متشکل از متخصصین در رشته‌های مختلف اعم از حقوقی و کیفری و غیره با تفکیک صلاحیت هریک و ایجاد تأمین‌ها و تضمینهای ضروری در دادرسی و مدافعات طرفین اجرای عدالت کیفری را ممکن کند. بدیهی است در حفظ منافع جامعه نباید حق و حقوق و منافع فرد، قربانی و نابود گردد؛ زیرا اگر عدالت اقتضاء می‌کند که بزهکار واقعی به مجازات محکوم شود، شرط اجرای عدالت هم این است که فردی که در مظان اتهام است، امکان دفاع از خود را داشته باشد. حیات و آزادی متهم زمانی از او سلب می‌شود که ضمن رعایت حقوق دفاعی، طی محاکمه منصفانه، مسؤولیت کیفری و تقصیرش ثابت و به موجب حکم قطعی محکوم شده باشد؛ بنابراین مقررات آیین دادرسی کیفری که ناگزیر از تغییر و تحول دائمی و انطباق آن با جامعه‌ای پیشرفته و متمدن است، باید متضمن قواعدی باشد که اجرای عدالت را در سطح تمدن جهانی عصر حاضر تأمین نماید. (ارفع زنگنه، ۱۳۸۹)

حق خانواده بر کمک و مساعدت، ارتباط تنگاتنگی با این حقوق دارد (ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۷ عهدنامه حقوق کودک) به منظور برخورداری از این حقوق اجتماعی، نیاز به بهره‌مندی از برخی حقوق اقتصادی است. این حقوق، حق بر مالکیت (ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر) حق بر کار (ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و حق بر تأمین اجتماعی (مواد ۲۲ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۹ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ماده ۲۶ عهدنامه حقوق کودک) هستند.

حقوق اقتصادی دارای کارکردی دوگانه است که غالباً در خصوص حق بر مالکیت، آشکارا جلوه گر شده است. این حقوق از یک طرف، مبنایی برای استحقاق است که می‌تواند سطح مناسب زندگی تضمین کند، در حالی که از طرف دیگر این حقوق پایه ای در راستای استقلال و بنابراین آزادی است. نگرانی ابتدایی نسبت به این حقوق را که جان لاک و دیگران اظهار نمودند، در مقابل نظم فئودالی بود که در آن کنترل بر زمین و منابع دیگر مبتنی بر نظام سلسله مراتبی بود و نابرابری و وابستگی‌های شدیدی را ایجاد می‌نمود؛ بنابراین، این قابل درک است که حق بر مالکیت، عنصری اساسی در جستجوی اولیه برای آزادی و برابری باشد. حق بر مالکیت در برداشت سنتی از این عبارت، نمی‌توانست همه را بر یک مبنای برابر بهره‌مند نماید. از این رو، حق بر مالکیت با حداقل دو حق دیگر تکمیل شده است، یعنی حق بر کار که می‌تواند یک تأمین مالی و سطح مناسبی از زندگی را فراهم کند و حق بر تأمین اجتماعی که می‌تواند درآمد ناکافی را صرف نظر از مال یا شکل کار که ناکافی برای بهره‌مندی از یک سطح مناسب زندگی است جبران نماید و در صورت لزوم کاملاً جایگزین آن شود.

در بحث اعلام حق در اسناد داخلی و بین‌المللی می‌توان اذعان کرد که وقتی از حق سکوت یا حق داشتن وکیل و غیره... سخن گفته می‌شود، فرض بی‌گناهی، تکلیف دادستان به اثبات رکن‌های تشکیل دهنده جرم و منع شکنجه متهم برای گرفتن اقرار و اطلاعات به ذهن متبادر می‌شود. این حق‌ها را می‌توان تضمین‌کننده حق سکوت متهم نامید که بر پایه اصل آزادی بیان و لزوم رعایت کرامت و شرافت متهم استوار است. اهمیت فرض بی‌گناهی برای حق سکوت آن است که فرض بی‌گناهی تکلیف به اثبات مجرمیت متهم فراتر از شک معقول را برعهده دادستان قرار می‌دهد. نمی‌توان متهم را ملزم به کمک به دادستان برای اثبات اتهام علیه وی کرد. (آشوری، ۱۳۹۳: ۲۵۰).

## اهداف تحقیق

### اهداف علمی

تبیین توجه بیشتر به اعلام حق در زمینه سلامت و آموزش در آیین دادرسی کیفری ایران نسبت به اسناد بین المللی.  
۳- شناخت تفاوت حق سکوت در اسناد داخلی و حقوق بین الملل.

### سوالات تحقیق

#### سوال اصلی

آیا اعلام حق در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین المللی با هم تفاوت دارند؟

#### سوالات فرعی

آیا در آیین دادرسی کیفری ایران نسبت به اعلام حق در زمینه سلامت و آموزش نسبت به اسناد بین المللی توجه بیشتری شده است؟

آیا حق سکوت در اسناد داخلی و حقوق بین الملل با هم تفاوت ویژه ای دارند؟

### فرضیات تحقیق

#### فرضیه اصلی

به نظر می رسد اعلام حق در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین المللی با هم تفاوت دارند.

#### فرضیه فرعی

۱- به نظر می رسد در آیین دادرسی کیفری ایران نسبت به اعلام حق در زمینه سلامت و آموزش نسبت به اسناد بین المللی توجه بیشتری شده است.

۲- به نظر می رسد حق سکوت در اسناد داخلی و حقوق بین الملل با هم تفاوت ویژه ای دارند.

### سوابق تحقیق و مبانی نظری

۱- آل کجباف حسین\* مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین المللی حقوق بشر عنوان نشریه: حقوق پزشکی: بهار ۱۳۹۲، دوره ۷، شماره ۲۴، از صفحه ۱۳۹ تا صفحه ۱۷۰. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور تهران با تلاش های جامعه بین المللی برای حمایت از حقوق بشر، قلمروها و عوامل تاثیرگذاری در تحقق حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته اند. حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول سلامتی یا حق بر سلامتی یکی از حق های بشری است که در اسناد حقوق بشری بر اهمیت آن تاکید شده است. سلامت فردی، به عنوان یکی از مهمترین مولفه های کرامت هر انسانی محسوب می شود. از این روی حق بر سلامتی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. حوزه های مربوط به سلامتی متنوع بوده و دارای ابعاد گوناگونی است و این امر نیز عاملی برای دشواری تعریف حق مزبور شده است. در اسناد حقوق بشری عمدتاً از سلامت جسمی و روانی و بعضاً از سلامت معنوی و اجتماعی حمایت شده است. دولت ها نیز به طور کلی در ارتباط با تامین و تضمین این حق دارای مسوولیت های معینی می باشند. واضح است که دولت ها نمی توانند به طور کامل سلامتی و مطلوب بودن سلامتی افراد را تضمین نمایند اما دولت ها می توانند شرایطی را فراهم آورند که در آن سلامتی افراد مورد حمایت قرار گیرد و دستیابی به سلامتی برای افراد ممکن گردد. حق بر سلامت جایگاه استواری در اسناد حقوق بشری و عرف بین المللی دارد و می توان آن را در شمار اصول کلی پذیرفته شده نظام های حقوقی توسعه یافته دانست. این حق در شمار حقوق نسل دوم حقوق بشری بر شمرده شده است. در این مقاله به مهمترین جلوه های حق بر سلامت در اسناد بین المللی حقوق بشر پرداخته شده است. این مقاله درصدد پاسخ دادن به سوالاتی از قبیل اینکه حق بر سلامتی چه جایگاهی در نظام بین المللی حقوق بشر دارد؟ مفهوم محتوایی و عناصر سازنده این حق چیست؟ و انواع تعهد دولت ها در قبال این حق چه می باشد؟

۲- فهیمی، علیرضا (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان اعلام حق بر آموزش در قوانین ایران و اسناد بین المللی نشان داد حق بر آموزش که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) مورد تصریح قرار گرفته، حقی است که بر اساس آن کلیه افراد حق دارند آموزش هائی را که برای رشد شخصیت فردی و جمعی آن ها لازم است، ببینند. حق آموزش دیدن، به یک معنا می تواند مدخل و پیش زمینه ای برای تحقق سایر حقوق باشد. چون انسان را از عالم جهالت خارج می کند و ابزار دانستن را در اختیار انسان قرار می دهد تا بداند چه حقوقی را مطالبه کند یا در صورت نقض آن حقوق چه اقدامی انجام دهد، این حق در زمره ی نسل دوم حقوق بشر است که تحقق آن برنامه ریزی و سرمایه گذاری را می طلبد و دولت ها باید بدون هرگونه تبعیضی از جهت نژادی، جنسیتی، مذهبی و عقاید سیاسی آن را برای تمامی افراد ملت به رسمیت بشناسند و تحت هیچ عنوان و با وضع هیچ قانونی نمی توان افراد را از حق آموزش یا تحصیل علم محروم کرد.

۳- صابر محمود معیارها و تضمین های دادرسی عادلانه و اعلام حق در مرحله تحقیقات مقدماتی فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۸۸ صص ۱۴۳-۱۷۶ تحقیقات مقدماتی، حساس ترین مرحله از فرایند کیفری است؛ زیرا اولین مواجهه متهم با دستگاه عدالت کیفری در این مرحله انجام می شود و اساس پرونده کیفری در این مرحله شکل می گیرد. لذا توجه به اصول دادرسی عادلانه در این مرحله از اهمیت بسیاری برخوردار است. از جمله این که این مرحله باید تحت حاکمیت اصل برائت انجام شود، زیرا در این هنگام هنوز مجرمیت شخص محرز نشده است. همچنین تضمین «حق آزاد بودن متهم و امکان سلب این حق در موارد استثنایی»، «اطلاع رسانی به متهم و خانواده وی»، «اعلام حق سکوت»، «اعلام حق انتخاب وکیل» و «لزوم معقول بودن مدت بازداشت موقت» در زمره مهم ترین اصول کلی دادرسی عادلانه حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی است. در نظام عدالت کیفری ایران، برخی معیارها و ضوابط دادرسی عادلانه، نظیر فرض برائت دارای قدمتی طولانی هستند؛ اما برخی دیگر، نظیر لزوم اطلاع رسانی به متهم و خانواده وی، اعلام حق سکوت، اعلام حق داشتن وکیل و لزوم معقول بودن مهلت بازداشت چندان مورد توجه مقنن واقع نشده اند. در مقاله حاضر سعی شده با استفاده از اسناد و الزامات بین المللی، ضمن معرفی معیارها و ضوابط دادرسی منصفانه ناظر به مرحله تحقیقات مقدماتی، وضعیت حقوقی کشورمان در این خصوص تبیین شود و خلاها و نقص های موجود نیز به همراه راهکارهای پیشنهادی اعلام گردند.

۴- صالحی جواد سکوت؛ جلوه ای از حقوق دفاعی متهم در دادرسی عادلانه فصلنامه مطالعات حقوقی، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۸ ص ۶۹ حقوق دفاعی متهم؛ به عنوان یکی از مولفه های دادرسی عادلانه، مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در اختیار متهم قرار می گیرد تا این که حقوق و منافع وی تامین گردد. یکی از مصادیق بارز حقوق دفاعی متهم، حق سکوت وی در کلیه مراحل دادرسی؛ مرحله تعقیب و انتساب اتهام تا مرحله اجرای حکم است، که از جمله مباحث چالش برانگیز حقوق جزای مدرن است. رعایت حق سکوت از یک سو، منافع جامعه را در سهولت کشف جرم و تعقیب مجرم به خطر می اندازد و از سوی دیگر، عدم رعایت آن، موجب تحدید حقوق مسلم متهم، در فرایند دادرسی منصفانه می شود. حق سکوت اختیاری متهم، برای متهمی که واقف به داشتن چنین حقی است، از اصول بدیهی است؛ اما الزام قانونی مقامات تعقیب، تحقیق و رسیدگی با توجه به آموزه های حقوق بشری و قرائت های نوین از مولفه های اصل برائت؛ مبنی بر اعلام چنین حقی به متهم، با بی مهری مقنن داخلی مواجه شده است. سوال این است که اگر متهم از حق سکوت خویش در مقابل مقامات قضایی ناآگاه باشد، تکلیف چیست؟ در این مقاله سعی می شود تا با بررسی قوانین آیین دادرسی و اسناد بین المللی، تکلیف یا عدم تکلیف مقامات قضایی و محدوده آن در آگاه کردن متهم مبنی بر ساکت ماندن در مقابل اتهامات مشخص گردد.

### روش تحقیق

روش اجرای این تحقیق توصیفی - کتابخانه ای به صورت تحلیلی و تفسیری می باشد. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای می باشد که با استفاده از اسناد و مدارک موجود مطالب گردآوری خواهد گردید با توجه به توصیفی بودن موضوع ابزار سنجش ندارد و محقق از طریق فیش برداری اقدام به جمع آوری مطالب نموده است. اطلاعات حاصل از منابع اسنادی از طریق فیش برداری مورد تفسیر و تحلیل علمی و منطقی قرار خواهد گرفت.

## انواع اعلام حق در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی

### حق دادخواهی در دادگاه علنی

یکی از اصول مهم تضمین کننده دادرسی عادلانه در امور کیفری، اصل علنی بودن دادرسی است. در فرایند رسیدگی کیفری، شاکی باید از پروسه دادرسی عادلانه برخوردار باشد. حق بهره مندی از نظام دادرسی عادلانه به این معناست که؛ زمانی که هر شهروند مورد تعدی قرار می گیرد، آزادانه بتواند در یک دادگاه صالح اقامه دعوی و احقاق حق کند؛ بدون آن که در حالت نامساعدتری نسبت به طرف مقابل قرار گیرد. شاکی در این فرایند از حقوق مختص به خود بهره مند است، که یکی از آنها حق دادخواهی در دادگاهی علنی است. (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۲۳۵)

اصول ۳۴ و ۱۶۵ قانون اساسی بر این امر صراحت دارند. برابر اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. اصل ۱۶۵ نیز بر علنی بودن محاکمات اشاره دارد. حق دادخواهی حقی مطلق است و احدی نمی تواند مانع استفاده از آن شود. تأمین این حق انسانی در اسناد بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱ نیز به این مطلب می پردازد:

هر کس حق دارد تا به دادخواهی او مطابق قانون در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف، به شکل منصفانه و علنی رسیدگی شود. تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسن ه، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی اقتضا کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص، علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد. لیکن تعیین حکم صادره در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود. (هاشمی، ۱۳۹۲)

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۲ نیز مقرر می دارد:

هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی طرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود. ضمانت اجرای کیفری حق دادخواهی در یک دادگاه علنی، در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی آورده شده است. بر این اساس، هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود با وجود این که رسیدگی به آن ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه ای از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند، مجرم و قابل مجازات است.

ماده ۵۹۷ قانون مذکور فقط به حمایت از حق دادخواهی پرداخته است و در مورد علنی بودن، صراحت ندارد. علنی بودن محاکمات از حقوق مصرحی است که قانون اساسی برای افراد ملت شناخته است و تنها استثنا بر اصل علنی بودن دادگاه این است که دادگاه بر اساس ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری صرف نظر از این که قضات دادگاه ها مطابق این ماده در تشخیص لزوم برگزاری غیرعلنی جلسات رسیدگی، آزاد و خارج از کنترل مرجع بالاتر گذاشته شده اند، که این مسئله به نقض هر چه بیشتر این اصل کمک می نماید. (هاشمی، ۱۳۹۴)

### حق برخورداری از رسیدگی بی طرفانه

استقلال و بی طرفی دادگاه دارای دو وجه اساسی؛ یکی استقلال و عدم وابستگی به دیگر قوای حاکم و دیگری عدم وابستگی به اطراف دعوی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صدر اصل ۱۵۶ اعلام می نماید که قوه قضاییه قوه ای مستقل است. از مهم ترین اجزای استقلال قوه قضاییه، بی طرفی قضات در انجام دادرسی و صدور حکم است.

دادگاه مستقل و بی طرف از چنان ثبات و صلابتی برخوردار است که به دور از هرنوع محدودیت، توصیه، مداخله و فشار مستقیم یا غیرمستقیم؛ تصمیمات خود را صرفاً بر واقعیات موجود در پرونده و مقررات قانونی حاکم بر آن واقعیت ها استوار می سازد. (ویلیمز، فرانک پی، مک شین، ماری لین دی ۱۳۹۱: ۲۴۱)

اصل بیطرفی قاضی تضمینی برای سلامت دادرسی است و حق برخورداری مردم از یک محاکمه عادلانه و بیطرف را به منصفانه ظهور می رساند.

اگرچه حق برخورداری از رسیدگی بی طرفانه، شاید در بادی امر از حقوق متهم تلقی شود، اما اطلاق عام این حق موجب نفی برخورداری شاکی از آن نیست؛ چراکه تصور این که خواسته شاکی به عنوان طرف دیگر دعوی، بدون رعایت این اصل مورد قضاوت قرار گیرد، محتمل است. بنابراین شاکی نیز حق دارد از رسیدگی بی طرفانه برخوردار باشد. ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری لزوم بی طرف بودن قاضی را متذکر شده است:

دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است بیطرفی کامل را رعایت نمایند.

بخشنامه ۱۳۷۹ رئیس قوه قضاییه نیز به استقلال و ۱/79 - 8/26 شماره ۱۳۳۴۴ بی طرفی قضات و عدم توجه به توصیه ها، نفوذ و سفارش های خارج از اصول اشخاص و مقام های قضایی تأکید دارد. در بخشی از این بخشنامه آمده است:

قضات در جریان اقدام های قضایی نباید توصیه های خارج از اصول اشخاص و مقام های قضایی را مورد توجه قرار دهند و تحت تأثیر نفوذ متنفذین یا افراد مطرح و شاخص، مرتکب اقدام خلاف قانون شوند، والا مورد مواخذه و پیگرد انتظامی قرار، خواهند گرفت. (ناصر زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱)

لزوم بی طرفی و استقلال قاضی در رسیدگی و دادرسی در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. تمامی مواد مورد اشاره در اسناد بین المللی با عباراتی مشابه به وجود دادگاه مستقل و بی طرف سیستم های قضایی کشورها، تأکید دارند. ضمانت اجرای کیفری اصل بی طرفی قاضی در دادرسی و بهره مند شدن شاکی از رسیدگی بی طرفانه ماده ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی است؛ به موجب این ماده:

هر یک از مأمورین ادارات و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸ که از روی غرض ورزی و برخلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تاسه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد. (الماسی، ۱۳۹۲)

### حق رسیدگی بدون تأخیر ناروا

تحقیقات مقدماتی و دادرسی بایستی با سرعت انجام شود. البته آنچه از حق رسیدگی بدون تأخیر ناروا بیشتر به ذهن متبادر می شود، تسریع در رسیدگی است. اما اگر دادرسی را در معنای اعم و کلیه مراحل آن بدانیم؛ تسریع در رسیدگی شامل سرعت در تحقیقات مقدماتی و رسیدگی می شود. لازمه حفظ حقوق شهروندان در فرایند دادرسی؛ سرعت در رسیدگی و عدم تأخیر است. بدیهی است که در مورد شاکی، به دلیل ورود ضرر و زیان ناشی از جرم و لزوم جبران هرچه سریع تر آن، تعیین تکلیف موضوع پرونده و رسیدگی بدون تأخیر غیرضروری الزامی است. این موضوع در مواد ۶۱ و ۱۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شده است (میرزایی، ۱۳۸۶). سرعت در رسیدگی در مرحله محاکمه نیز مورد تأکید قانون گذار قرار گرفته است. ماده ۲۱۱ همین قانون لزوم سرعت در رسیدگی را یادآور شده و ماده ۲۱۲ نیز تأخیر در صدور رأی را جایز نمی داند. بخشنامه های متعدد ریاست محترم قوه قضاییه ارایه دهند رهنمودها و توصیه هایی در خصوص تسریع در تکمیل و رسیدگی به پرونده هاست. (گلپایگانی، ۱۳۶۲)

در مورد حمایت کیفری از این حق شاکی، می توان به ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد:

هریک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند به نظر می رسد عبارات عام ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی را نیز بتوان در تأخیر انداختن محاکمه راستای حمایت کیفری از این حق در نظر گرفت. البته این ماده به تأخیر انداختن محاکمه و نه به تأخیر در رسیدگی اشاره کرده قضات در صورت انجام تخلفات علاوه بر اعمال مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مذکور، به استناد نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات ۵، محکومیت انتظامی نیز پیدا خواهند کرد؛ که رسیدگی به این تخلفات در دادسرای انتظامی قضات صورت می گیرد. (یوسفی، مراغه، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵)

## حقوق دفاعی شاکی

### حق اطلاع از محتویات پرونده

شاکی پس از وقوع فعل مجرمانه از سوی متهم، با مراجعه به دستگاه عدالت کیفری، شکایتی را برابر ضوابط قانونی تنظیم و به همراه مستندات تقدیم می کند.

مجریان قانون به استناد شکایت شاکی و دلایل ابرازی از طرف او، تحقیقات را شروع کرده و دلایل بیشتری را پیرامون قضیه جمع آوری می کنند. تحقیقات تا جایی ادامه می یابد که پس از سپری شدن مدت کوتاهی، پرونده ی از دلایل و مستندات علیه متهم شکل گیرد. بسیاری از این دلایل به طور مستقل و بدون دخالت شاکی به دست می آید، در حالی که مسبب آن شاکی بوده است. چگونگی جمع آوری و جنس دلایل می تواند سرنوشت دعوی را تغییر دهد. به شاکی حق مراجعه و کسب اطلاعات از دلایل و مستندات مضبوط در پرونده را دارد، این در حالی است که قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه صراحتی ندارد. این رویکرد قانون تا حدودی با مولفه های دادرسی عادلانه، هم خوانی ندارد. به هر حال این احتمال وجود دارد که پرونده حاوی اوراق جدیدی باشد که توسط مقامات محترم قضایی جمع آوری شده و شاکی بخواهد از آن ها کسب اطلاع نماید. سوال قابل طرح این است که اگر قاضی، شاکی را از این حق محروم نماید، چه حمایت کیفری از وی در قانون به عمل آمده است؟ (الماسی، ۱۳۹۲)

به نظر می رسد در قانون آیین دادرسی فعلی محدودیتهایی ایجاد شده که قاضی در هر حال باید مطابق قانون عمل کند، بهتر است در قانون آیین دادرسی جدید که در مرحله بازنگری است به این بخش از حقوق شاکی توجه شود تا این نقیصه از قانون برطرف شود و این قسمت از حقوق شاکی مرتفع گردد. چراکه ماده ی ۱۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اشاره ای به این حق شاکی ندارد. (همان)

### حق تهیه رونوشت از صورت جلسات

مطابق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری شاکی حق دارد از صورت جلسه ی تحقیقات مقدماتی که منافعی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد، پس از پرداخت هزینه، رونوشت بگیرد. به تبع این حق، برای دادگاه نیز تکلیف ایجاد می شود، اما رویه ی قضایی این تکلیف را به رسمیت نمی شناسد. برخی از قضات، به استناد این که ماده ی مزبور تکلیفی برای دادگاه ایجاد نکرده است، از دادن رونوشت امتناع می کنند و برخی به عذر محرمانه بودن تحقیقات متوسل می شوند، در حالی که قانونگذار معیاری برای محرمانه بودن ارائه نداده است، به همین جهت این عذر در برخی موارد، ممکن است موجب اعمال سلیقه ی قضات شود. (کی نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴)

### حق بیان و اعتراض

#### حق حضور در جلسه رسیدگی و ارائه دلایل و شواهد

باید به شاکی اجازه و امکان داده شود تا شکایت خود را به طور مشروح و با ذکر دلایل بیان کند؛ و بتواند اسناد و مدارک خود را ارائه دهد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

معمولاً شاکی به هنگام تقدیم شکایت و ثبت آن در دفتر دادرسی، شخصاً پرونده خویشتن را به نزد بازپرس یا دادیاری که رسیدگی به او ارجاع شده است، می آورد. این امر موجب می شود، دادیار یا بازپرس ضمن وصول پرونده، توضیحات وی را راجع به شکایت شنیده و در صورت مجلس قید کند و به امضای او برساند. (سلجوقی، محمود، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲)

ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری حق ارائه دلایل و شواهد را برای شاکی قایل گردیده است، ولی اشاره ای به جلسه رسیدگی ندارد؛ اما مطابق اصول کلی، باید به شاکی حق حضور و ارائه شکایت و دلایل را بالاخص در جرایمی که جنبه خصوصی آن ها غالب است، داده شود.

در مورد حمایت کیفری از این حق شاکی، هرچند قانون مجازات اسلامی صراحتی ندارد، ولی می توان چنین استدلال کرد که حق حضور در جلسه رسیدگی از تبعات حق دادخواهی است که اصل ۳۴ قانون اساسی صراحتاً به آن اشاره دارد. دادخواهی و به تبع آن حضور در جلسه رسیدگی و ارائه دلایل و شواهد از جمله حقوق اساسی ملت است که در ماده ۵۷۰ قانون مجازات



اسلامی مورد حمایت قرار گرفته است. از این رو، اگر مقام قضایی این حق را از شاکی سلب کند، طبق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب جزایی خواهد بود.

### حق رد دادرسان، کارشناسان و مترجمین

شاکی حق دارد دادرس، کارشناس و مترجم را به جهات قانونی رد کند. مطابق مواد ۴۶ و ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری، شاکی پرونده می تواند در صورت وجود هریک از موارد مذکور در این مواد، دادرس و قضات تحقیق را رد کند. این قاعده بادر نظر گرفتن روح ماده ۴۶ قانون مذکور، علی رغم عدم تصریح نسبت به رد دادستان نیز جاری است. (آشوری، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰) اگر قاضی به جهات رد خود در پرونده آگاه باشد، ولی از رسیدگی امتناع نکند و طرفین نیز از آن بی اطلاع باشند یا به فرض اطلاع آن را اعلام نکنند، حکم قاضی قابل نقض است. در مورد رد کارشناس و مترجم نیز شاکی بر اساس ماده ۲۰۳ قانون مذکور می تواند مترجم و کارشناس را رد کند. ولی رد مترجم باید مدلل باشد. به هر حال نظردادگاه در این خصوص قطعی است. اگر بعداً اثبات شود که قاضی در رد کارشناس و مترجم موازین قانونی را رعایت نکرده است، محکومیت انتظامی خواهد داشت. در قوانین جزایی اشاره ای چه صریح و چه غیر صریح به حمایت کیفری از این حق شاکی نشده و قانون در این مورد ساکت است.

### حق درخواست احضار شهود و مطلعین

مواد ۷۳ و ۱۶۰ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به احضار شهود و مطلعین اختصاص دارد؛ اما هیچ یک از مواد مذکور صراحتاً حق درخواست احضار فرد یا افرادی را به عنوان شاهد و مطلع برای شاکی مطرح نکرده اند. از این رو و تکلیف دادگاه به پذیرش این درخواست شاکی استنباط نمی شود. بر اساس ماده ۱۹۱ قانون مذکور، به نظر می رسد دادگاه برای انجام تحقیقات لازم از افراد تعرفه شده از طرف شاکی، تکلیف دارد؛ حتی اگر انجام این تقاضا را نوعی تکلیف از طرف دادگاه بدانیم، باز هم ضمانت اجرای مشخص در جهت حمایت از این رفتار برخلاف حق شاکی دیده نمی شود. البته شاید بتوان با استناد به عبارت که در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی آمده، حمایت کیفری برای این حق قانونی شاکی قایل شد؛ اما آنچه قطع یقین است، عدم رعایت این امر از طرف دادگاه تخلف انتظامی محسوب می شود. (آشوری، ۱۳۸۹)

### حق جرح شهود

ادعای فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد مقرر کرده است و از ناحیه طرفین دعوی صورت می گیرد، جرح شهود نام دارد؛ این شرایط در ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده است. حق جرح شهود، از حقوق شاکی است. (آشوری، محمد. ۱۳۹۲، ص ۲۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری در جهت حمایت از این حق شاکی صراحتی ندارد. با استفاده از روح قوانین، اصول حقوقی و این که قانون آیین دادرسی کیفری، آمره بوده و قاضی ملزم به رعایت آنها است، می توانیم چنین استدلال کنیم که در صورت عدم توجه و عدم رسیدگی به ادعای فقدان شرایط شهود و جرح شهود از سوی شاکی، وی مرتکب تخلف شده و علاوه بر این که حکم صادره نقض می شود، بر اساس ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب است؛ ضمن آن که طبق ماده ۲۰ نظامنامه «راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات» محکومیت انتظامی نیز خواهد داشت.

### حق برخورداری از معاضدت

#### حق داشتن وکیل

شاکی حق برخورداری از معاضدت وکیل را دارد. اصل ۳۵ قانون اساسی و مواد ۶۹ و ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً این حق را برای شاکی مقرر داشته اند. بر اساس اصول کلی حقوقی و قاعده اجباری بودن پذیرش وکیل، هیچ محکمه ای حق ندارد اصحاب دعوی را از داشتن وکیل منع کند و یا به وکیل منتخب اجازه حضور و دفاع از موکل را ندهد. حق حضور وکیل نبایستی تنها منحصر به دادگاه ها باشد، بلکه وکیل باید حق حضور در مراجع صالحه از جمله کلانتری را داشته و نسبت به اقامه و تعقیب دعوی اقدام نماید. حمایت کیفری از این حق، صراحتاً پیش بینی شده است. (آشوری، ۱۳۸۹)

بر اساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی که محروم نمودن افراد ملت از حقوق مقرر در قانون اساسی را مستوجب مجازات می‌داند، اگر محکمه ای شاکی را از حق داشتن وکیل محروم نماید، طبق این ماده قابل تعقیب و مجازات است. علاوه بر این، اگر محکمه ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه سه و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی است. البته هرچند در تبصره مذکور این حق به متهم اختصاص داده شده است، لیکن بنابر قاعده اجباری بودن پذیرش وکیل در دادگستری و محاکم و اصل حق داشتن وکیل و این که به صراحت اصل ۳۵ همه مردم حق انتخاب وکیل را دارند و شاکی از آن مستثنی نیست.

### حق درخواست کارشناس و مترجم

در امور و مسایلی که فنی بوده و احتیاج به جلب نظر متخصص دارد، دادگاه باید موضوع را به کارشناس ارجاع دهد. ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتی در این خصوص ندارد، ولی تکلیف دادگاه در مواردی که ارجاع موضوع به کارشناس و مترجم ضروری باشد، از این ماده و سایر اصول حقوقی استنباط می‌شود. به هر حال در این موارد دادگاه ملزم است نظر اهل خبره را جلب نماید؛ چراکه نظر کارشناس، نوعی اماره قضایی است و بسته به اوضاع و احوال موضوع ارجاعی و دلالت های کارشناس در میان سایر امارات و دلایل موجود، دارای ارزش و اعتبار خاص خود می‌باشد. اگر دادگاهی به این تکلیف قانونی عمل نکند و علی‌رغم درخواست شاکی از ارجاع امر به کارشناس یا مترجم استنکاف ورزد، قانون گذار چه حمایتی برای آن در نظر گرفته است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: حمایت کیفری صریحی از اینحق دیده نمی‌شود و قابلیت استناد به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی هم بعید به نظر می‌رسد اما شاید ارتکاب این تخلف از طرف مقام قضایی، براساس ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات، قابل تعقیب و مجازات باشد. (آشوری، ۱۳۹۳، ص ۲۲۹)

### حق تعیین قیم برای صغار، مجانین و سفیهان

مطابق ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شکایت شاکی خصوصی بوده، متضرر از جرم محجور (صغیر، غیررشید یا مجنون) و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مجنی علیه و ولی یا قیم نداشته باشد، دادگاه شخص دیگری را به عنوان قیم موقت تعیین می‌کند. با توجه به آغاز به فعالیت مجدد دادرها به نظر می‌رسد ماده واحده «قانون راجع به تعیین قیم اتفاق ی» خصوص تعیین قیم لازم الاجراء باشد. اگر قاضی در رسیدگی کیفری، به تکلیف ماده ۷۲ قانون فوق الاشعار عمل نکند، حمایت کیفری صریحی در جهت حمایت از این حق شاکی وجود ندارد. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰)

### حقوق خاص شاکی

در پرونده کیفری، شاکی به عنوان متضرر از وقوع جرم، نقش بسزایی را ایفا می‌کند. در واقع شاکی با اعلام جرم و طرح شکایت موجب می‌گردد تا چرخه های دستگاه عدالت کیفری به حرکت درآیند. شاکی به عنوان فرد ذینفع در دعوی طرح شده، دارای حقوقی است. رعایت حقوق شاکی صرف نظر از نتیجه نهایی، موفقیت یا شکست در اثبات جرم و محکوم کردن متهم (از ملزومات دادرسی عادلانه) این مهم در اصول ۱۶۶ و ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۱۶۴، ۱۶۵، ۳۶ تا ۳۹، ۳۴، در اصول ۳۲ ایران بدون این که صراحتاً به واژه های دادرسی منصفانه و عادلانه اشاره شده باشد، پیشبینی شده است. حقوق شاکی به زعم برخی از حقوقدانان، چه بسا که در طرح تا ختم دعوی مورد تحدید یا نقض قرار گیرد. هرگونه خدشه ای بر این حقوق موجب برانگیختن احساس بی عدالتی در فرد شاکی و جامعه در پیگیری و به مجازات رساندن مجرمین می‌شود. بنابراین مقررات آیین دادرسی کیفری باید متضمن قواعدی باشد که اجرای عدالت کیفری را در خصوص شاکی تأمین نماید. قوانین کیفری وقتی منادی عدالت است که میان حق شاکی و متهم، تعادل برقرار کند. از این رو لحاظ قرار دادن تضمین های اساسی در دادرسی عادلانه و مدافعات طرفین اجرای عدالت کیفری و رعایت حقوق شاکی با برقراری محاکمه ای منصفانه را که در آن حقوق شاکی محترم شمرده شود، ممکن می‌سازد. حمایت کیفری به گواهی تاریخ حقوق سنتی ترین گونه حمایتی است که چون در روزگار ما از گذر جرم انگاری در پوشش قانون شناخته می‌شود، در چارچوب «سیاست جنایی قانونگذارانه» می‌گنجد.

### رفتار جامعه بین الملل و دولت ها با مسئله حقوق پناهندگی

از آنجا که پناهندگی یک مسأله اجتماعی-سیاسی می باشد، همواره توجه بسیاری از کشورها و سازمان های جهانی و منطقه ای را به خود جلب کرده است. به طوری که با شکل گیری مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... ناشی از پناهندگی و همچنین گسترش روزافزون روابط بین جوامع انسانی و لزوم ارتباط عمیق میان دولت ها، وضع قوانین داخلی در خصوص پناهندگان تشدید یافته و سازمان ملل متحد از کشورها خواسته است تا اقدامات سریع و به روزی را در خصوص این قضیه مهم اتخاذ نمایند. (حاجی تبار فیروز رجائی، ۱۳۹۱)

در رژیم بین المللی حمایت از پناهنده، حق وی بر تأمین امنیت جانی و مالی، حق حاکمیت کشور پذیرنده و رابطه میان پناهنده با کشور سابق خود، از جمله موضوعات اساسی ای است که مورد تغییر و تحول زیادی قرار گرفته است؛ اما خیل عظیم پناهندگان در مدت زمان طولانی، منشأ بی ثباتی و تشنج در قلمرو داخلی کشورهای پناهنده پذیر شده و منجر به تعارضات فرهنگی و اجتماعی برای اینگونه کشورهاست. اصل ممنوعیت بازگرداندن پناهنده به کشورش، از جمله قواعد عرفی بین المللی است که تمامی دولت ها صرفنظر از عضویت در کنوانسیون حقوق پناهندگان در تمامی زمان ها موظف به رعایت آن هستند. لذا این اصل، حق پناهنده شدن پناهندگان را در طولانی مدت تضمین می کند و این به معنای یک اقامت طولانی در کشور میزبان است. (یوسفی، مراغه، ۱۳۹۱)

### پدیده پناهندگی و معضل قاچاق مهاجران

امروزه پناهنده شدن در کشورهای توسعه یافته، به رویای مردم کشورهای جهان سوم و یا در حال توسعه تبدیل شده است. لذا آنان به واسطه راه های مختلفی که می توانند در قوانین کشور پناهنده پذیر بیابند، دست به مهاجرت می زنند. در بیشتر موارد، این مهاجرت بوسیله قاچاقچیان صورت می گیرد. در اسناد بین المللی، قاچاق مهاجران به معنای «فراهم کردن موجبات ورود غیرقانونی یک نفر به داخل کشوری که آن شخص تبعه یا مقیم دائم آن کشور نیست، به منظور به دست آوردن مستقیم یا غیرمستقیم مال یا انتفاع مادی»، تعریف شده است.

ماهیت جرم «قاچاق مهاجران» با جرم «قاچاق انسان»، با یکدیگر متفاوت است. قاچاق مهاجران مستلزم عبور غیرمجاز از مرزهای یک کشور است؛ بنابراین هم عمل قاچاقچی و هم عمل شخصی که قاچاق می شود، جرم است و برخی اعتقاد دارند قاچاق مهاجران، یک جرم علیه دولت است. قاچاق مهاجران بر خلاف قاچاق انسان با رضایت کامل فرد قاچاق شده انجام می شود. با این حال، مهاجرانی که با سودای پناهندگی دست به مهاجرت غیرقانونی توسط قاچاقچیان می زنند، از آغاز مهاجرت بزه دیده بالقوه هستند چرا که در بعضی موارد آنها مال باخته می شوند و به وسایل دادخواهی دسترسی نداشته و یا مورد حمایت قانون، قانونگذار و نهادهای مجری قانون قرار نمی گیرند. مثلاً کشور استرالیا برای مقابله با پدیده پناهندگی که به نحو روز افزون رشد داشته است، با وضع قوانین پناهندگی و مهاجرت سخت گیرانه، اجرای آن را از کشورهای مسیر مهاجرت آغاز کرده است. بر همین مبنا، استرالیا با کشورهای اندونزی و گینه توافق کرد است تا مسیر مهاجرت از این کشورها، تنگ تر شود. در فرودگاه جاکارتا، مسافران ایرانی از صف جدا شده و با گرفتن پول های کلان برای آنها ویزا صادر می کنند. در حالی که دولت اندونزی اخیراً اعلام کرده است که دیگر برای ایرانیان ویزا صادر نمی کند؛ اما مقامات و مسئولان اندونزیایی با سوء استفاده از وضعیت نابسامان مسافران ایرانی، با دریافت رشوه به آنان قول دادن ویزا می دهند. گذشته از اینکه در هر صورت اینگونه مسافران مال باخته می شوند، معلوم نیست در صورت عدم دریافت ویزا چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد. (هاشمی، ۱۳۹۲)

در مواردی که جویندگان پناهندگی به راه های غیرقانونی مانند قاچاق روی می آورند، علاوه بر امکان مال باخته شدن، آنها با خطرات جانی هم روبرو هستند. به عنوان نمونه کسانی که از راه دریا با قایق های قاچاق بر مالزیایی قصد رسیدن به استرالیا را دارند. در مواردی غرق می شوند. حتی در صورت رسیدن به مقصد هم سرنوشت مطلوبی چشم انتظار این پناه جویان نیست. چرا که دایر سخت گیرانه کشور میزبان، در جهت مقابله با پدیده پناهندگی و مهاجرت، آنها را به سوی بازداشتگاه و کمپ های موقت سوق می دهد ک فاقد امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و فاقد امنیت لازم برای زندگی هستند. مثلاً استرالیا با فرستادن پناه جویان به جزایر دور افتاده مانند جزیره نائورو، آنان را برای مدت طولانی در معرض یک زندگی پرمخاطره قرار

می دهد که نهایتاً به شورش های اعتراضی منجر می شود؛ مانند شورش‌های که اخیراً در جزیره فوق روی داده و از تعداد کشته شدگان و مجروحان آن آمار در دست نیست. (نصیری، ۱۳۹۱)

### حق دادخواهی

یکی از حقوق اساسی انسان که فارغ از تبعه یا بیگانه بودن باید از آن بهره مند شود، حق دادخواهی است. منظور از حق دادخواهی آن است که چنانچه حقوق و آزادی های اساسی فردی شخص، در معرض تهدید قرار گرفته و یا به آنها تجاوز شود، بتواند از مراجع صلاحیتدار قانونی درخواست جبران خسارت وارده را نموده و مراجع مذکور بی غرضانه و در کمال استقلال، در یک دادرسی عادلانه، به ادعای وی رسیدگی کرده و در صورت اثبات، رأی به جبران خسارت دهند.

در اصل ۳۴ ق.ا این حق به صراحت بیان گشته است:

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.» (ناصر زاده، ۱۳۹۲)

اتباع بیگانه به دلیل شرایط خاص اجتماعی، ممکن است خود را از حمایت قانونگذار دور ببینند. در این شرایط قانونگذار باید با ضمانت اجراء کردن حقوق به رسمیت شناخته شده، آنان را نسبت به حمایت خود دل گرم کند. اگر اتباع بیگانه جهت دادخواهی و اعلام شکایت به مراجع قضایی مراجعه کرده و آن مراجع به دعوا و شکایت او رسیدگی نکرده باشند، از ضمانت اجرای این حق می تواند استفاده کند. قانونگذار در جهت ضمانت اجرای حقوق پیش بینی شده و من جمله حق دادخواهی، ۲ ماده را صراحتاً اختصاص داده است. مطابق مواد ۵۹۷ و ۵۷۲ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵)، مقامات قضائی و ضابطان ددگستری، مکلف به رسیدگی دعوا و شکایت بزه دیدگان هستند. (الماسی، ۱۳۹۲)

لایحه حمایت از بزه دیدگان توسط وزارت دادگستری تهیه شده، ولی هنوز به تصویب هیئت وزیران برای ارسال به مجلس، نرسیده است. البته این لایحه تنها ناظر بر انجام کمک های محدود مالی به بزه دیدگان است که طبق ماده ۱ آن، نام صندوق حمایت مالی برای این لایحه مناسب تر است؛ زیرا حمایت مالی از بزه دیدگان، تنها بخشی از حمایت های لازم از آنان است. این در حالی است که در «دستورالعمل و ضوابط اجرای کمک و حمایت از بزه دیدگان» که در سال ۱۳۸۸ توسط وزیر وقت دادگستری ابلاغ شد، همه افراد فارغ از اختلاف در تابعیت، از حمایت مذکور بهره مند می شدند. در هر صورت، حمایت پیش بینی شده از بزه دیدگان، طبق بند ۱ ماده ۷ این لایحه، محدود به اتباع ایران شده است که این می تواند به عنوان نقضی مخالف حقوق حداقلی برای بیگانگان تلقی گردد. علاوه بر این، اصل و بر جبران خسارت توسط بزه کار می باشد و در صورت وجود شرایط بند ۲ ماده ۷، بزه دیده می تواند از حمایت خاص بزه دیدگان بهره شود.

در اصلاحات ۲۴ خرداد ۱۳۹۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به ماده ۲۳۶ تبصره ای با هدف حمایت کنسولی از اتباع بیگانه ای که در ایران مرتکب جرم می شوند الحاق شد که حق تقاضای ملاقات از سوی کنسولگری با متهم به رسمیت شناخته شده است. چنین مقرره ای در خصوص اتباع بیگانه یا بدون تابعیتی که در ایران بزه دیده واقع می شوند در این قانون پیش بینی نشده است تا پس از بزه دیدگی، موضوع به کنسولگری متبوع وی جهت حمایت های حقوقی و مادی و مانند آنها اطلاع داده شود. (گلپایگانی، ۱۳۶۲)

درمورد حق دادخواهی بیگانگان در مواردی که قربانی شبه جرم شده اند، در قانون دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، مبحثی تحت عنوان «اخذ تأمین از اتباع دولت های خارجی» وجود دارد که طبق آن خواننده تبعه ایران می تواند تحت شرایطی از خواهان تبعه خارجی، تقاضای تأمین از دادگاه مربوط نماید. با وجود اینکه موضوع تأمین دعوای واهی به طور مجزا در ماده ۱۰۹ قانون فوق الذکر بیان شده است اما در ماده ۱۴۴ قانون فوق الذکر شاهد رویکرد سختگیرانه ی مقنن در مورد اتباع بیگانه هستیم. چرا که این مقرره یکبار در ماده ۱۰۹ به طور کلی بیان شده است و پیش بینی مجدد آن در ماده ۱۴۴ برای اتباع بیگانه باعث دشواری حق دادخواهی برای آنان خواهد بود.

حق انتخاب وکیل برای طرح شکایت بسیاری از مردم به دلیل عدم آشنایی با سیستم دادرسی و عدم تسلط بر قوانین قضائی، توان احقاق حق و دادخواهی به نخوه مطلوب را ندارند و لذا ممکن است پس از مدت ها صرف وقت و هزینه، نهایتاً یا موفق نشوند و یا با هزینه های خارج از حد متعارف، به نتیجه موردنظر دست یابند. به همین دلیل امروزه در غالب کشورها که از نهادهای دادرسی قوی برخوردار هستند، موضوع انتخاب وکیل در دعاوی حقوقی و کیفری به عنوان یک عرف مسلم و بعضاً به صورت قانون، کاملاً جاافتاده و عمومی است.

در همین راستا، قانون اساسی ایران در اصل ۳۵ قانون اساسی، نه تنها برای این نکته که طرفین دعوی در تمام دادگاه ها حق داشتن وکیل را دار می باشند تصریح نموده، بلکه دولت را نیز موظف کرده است تا برای کسانی که توانایی انتخاب وکیل ندارند، امکانات تعیین وکیل را فراهم نماید. (ناصر زاده، ۱۳۹۲)

ایران به جهت میزبانی از پناهندگان و آوارگان کشورهای همسایه، باید ساز کار مناسبی برای بهره مندی اتباع این کشورها از حقوق لازم جهت دادخواهی، فراهم کند. هرچند این حمایت می تواند در وهله نخست از سوی سفارتخانه کشور متبوع فرد بیگانه صورت گیرد؛ اما شرایط خاص بعد از بزه دیدگی و لزوم حمایت سریع از بزه دیده، ترجیح انجام اینگونه حمایت ها را از سوی نهادهای رسمی کشور، تقویت می کند. عدم آشنایی با قوانین و مقررات ایران برای اتباع بیگانه، دور از ذهن نیست و همراهی وکیل با آنان در فرایند عدالت کیفری ضروری است. اتباع بیگانه نیز مانند اتباع ایران، حق برخورداری از وکیل را دار می باشند و در صورت عدم تأمین مخارج وکیل، می توانند از خدمات وکلای معاضدتی، بهره مند شوند.

### تعهدات بین المللی ایران در برابر اسناد و کنوانسیون های پذیرش شده

موضوع بیگانگان بزه دیده، از سه منظر «انسان بودن»، «بیگانه بودن» و «بزه دیده»، مورد توجه جامعه بین المللی بوده است. این حمایت به این صورت است که در برخی اسناد بین المللی، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اسناد مربوط به مهاجران و پناهندگان، اسناد مربوط به بزه دیدگان از جمله اعلامیه ۱۹۸۵ و برخی اسناد و کنوانسیون های دیگر، گاه به صورت افتراقی به موضوع «بیگانگی» و «بزه دیدگی» پرداخته شده و گاه این دو موضوع در دایره حمایت اسناد عام الشمول قرار گرفته است. (نصیری، ۱۳۹۱)

دولت ایران عضو تعدادی از کنوانسیون ها و قراردادهای بین المللی در زمینه حقوق بشر است و طبعاً از لحاظ تعهد قراردادی، ملتزم به رعایت و اجرای مفاد آنهاست. برخی از این قراردادها پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی از سوی دولت امضاء شده و به تصویب قوه مقننه رسیده و برخی در زمان حکومت رژیم پیشین تصویب شده است که طبعاً دولت و حکومت حاضر نیز با وجود تغییر نظام، به قراردادهای مزبور متعهد و ملتزم است. مگر اینکه مطابق ضوابط مربوط به خروج از قرارداد بین المللی، از آنها خارج شود. طبق اصل ۷۷ قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی ایران، اسنادی که دولت ایران آنها را پذیرفته، پس از تصویب توسط مجلس شورای اسلامی، در حکم قانون است. قانونگذار ایران با تصویب اسناد پذیرش شده توسط دولت، مجریان قانون را ملزم به رعایت مفاد آن کرده و پراکنده در اسناد گوناگون، در ارتباط با بیگانگان و بزه دیدگان وجود دارد، می توانیم به مجموعه ای از حق های شناخته شده دست یابیم که بیگانگان بزه دیده را در زیر چتر حمایتی خود قرار می دهد و دولت ایران به لحاظ پذیرش آن اسناد (که مجلس آنها را تصویب کرده)، ملزم به رعایت آنها می باشد. (یوسفی، مراغه، ۱۳۹۱)

### اعلامیه جهانی حقوق بشر در باب اعلام حق

اعلامیه جهانی حقوق بشر، نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که از سوی یک سازان بین المللی اعلام شده و طبعاً موقعیت معنوی و سیاسی ممتاز و مهمی به دست آورده است. این اعلامیه از لحاظ موقعیت تاریخی و معنوی در ردیف اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه و اعلامیه استقلال آمریکا قرار دارد. محتوای اعلامیه حقوق بشر تا حد زیادی از اسناد پیش گفته گرفته شده است. ولی موقعیت عملی وسیع تری پیدا کرده است. دولت ایران، از جمله ۴۸ کشوری بود که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷ ه.ش)، به اعلامیه فوق، رأی مثبت داد.

هرچند این اعلامیه جنبه تعهدآور و الزامی برای دولت ها ندارد، اما اصول و معیارهای کلی حقوق بشری را در برگرفته است. چنانچه در اسناد و کنوانسیون های بعد از این اعلامیه، مفاد آن به عنوان پایه و اساس اسناد و کنوانسیون ها قرار گرفته و

حقوق ذکر شده در اعلامیه، در آنها برای دولت های عضو، تعهدآور شده است. دو بخش مهم اعلامیه که اساس میثاق های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است، حقوق را مدنظر قرار داده که هر عضوی از جامعه برای داشتن یک زندگی توأم با احترام، آرامش، عزت و کرامت نیازمند آن است. این دو بخش مهم، از قرار زیر می باشند: (سلجوقی، ۱۳۹۰)

### حقوق و آزادی های سیاسی (مواد ۳ الی ۲۱)

ماده ۳ به عنوان نخستین سنگ بنای اعلامیه، حق حیات آزادی و امنیت فردی را به عنوان سرلوحه حقوق و آزادی های انسان بیان می کند و مقرر می دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت دارد». مقصود از بررسی مواد اعلامیه، منطبق نمودن حقوق شناخته شده در آن، با وضعیت بیگانگان است. همانطور که پیش تر ذکر شد، اسنادی مانند اعلامیه فوق، این حقوق را به طور کلی برای تمام ابناء بشر معرفی کرده و خواستار رعایت آن از دولت ها می باشند. بیگانگان نیز به عنوان انسان هایی که تنها وصف «بیگانگی» را به دوش کشیده و به دلایل مختلف متحمل رنج «اقلیت شدن» و «زندگی در کشور دیگر» شده اند، باید به طور یکسان از این حقوق بهره مند شوند. ماده ۳، سه حق اساسی را ذکر می کند که هر کدام از آنها در برگیرنده زیرشاخه های متعددی می شوند. آنچه در موضوع بحث اهمیت دارد، نوع سیاستگذاری و قانونگذاری از سوی دولت هاست که نباید در تعارض با این حقوق قرار بگیرد. دولت ها حق حاکمیت خود را دارند و می توانند بیگانگان را به دلایل منطقی پذیرش نمایند. ولی در صورت پذیرش، باید در راستای حمایت از حقوق بیگانگان به سان اتباع خود بکوشند.

مواد ۴ الی ۲۱ اعلامیه، دیگر حقوق و آزادی های سیاسی را مد نظر قرار داده که برخی از این حقوق به طور مستقیم به امنیت قضائی و حق دادخواهی مربوط است. عدم به رسمیت شناختن و نقض این حقوق توسط دولت، فاقد ضمانت اجراست و این حقوق برای دولت الزام آور نیست. لکن، تعهد اخلاقی دولت نسبت به رأی مثبتی که به اعلامیه داده است، او را در برابر رعایت این حقوق برای همه افراد از جمله بیگانگانی که در ایران حضور داشته و بزه دیده می شوند، متعهد می کند. لذا در وضع قوانین و رویه های اجرایی و قضائی، این حقوق باید توسط او رعایت گردند. (گلپایگانی، ۱۳۶۲)

### حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مواد ۲۲ الی ۲۷)

ماده ۲۲ به عنوان زمین سنگ بنا و شالوده اعلامیه حقوق بشر مقرر می دارد: «هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری های بین المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و رشد آزادانه شخصیت اوست، با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد». حق تأمین اجتماعی فرد، حق کار و حق حمایت از فرد در برابر بیکاری، مزد مساوی در برابر کار مساوی و مزد عادلانه مناسب که یک زندگی شرافتمندانه انسانی را تأمین می کند (ماده ۲۳)؛ حق استراحت و تفریح (ماده ۲۴)؛ حق برخورداری از حمایت در موقع پیری، بیکاری، بیوگی و ناتوانی (ماده ۲۵)؛ حق بهره مندی از آموزش و پرورش (ماده ۲۶)؛ و حق شرکت آزادانه هر فرد در زندگی فرهنگی جامعه (ماده ۲۷)، به عنوان حقوقی که در صورت بهره مندی بیگانگان، سطح زندگی آنان را به سطحی مطلوب می رساند و می تواند در کاهش زمینه های بزه دیدگی آنان مؤثر باشد، اهمیت بسزایی دارد. به عنوان مثال بهره مندی بیگانگان از مفاد ماده ۲۳، آنان را از استثمار و بزه دیدگی ناشی از جرایم مصون می دارد. (سلجوقی، ۱۳۹۰)

### میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نسبت به حقوق مشابه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده بود، دارای فهرست جامع تر و طولانی تری می باشد. این میثاق صرفاً فهرستی از حقوق را ارائه نمی دهد، بلکه آنها را تعریف و تشریح نموده و نسبتاً نکته قابل توجه درباره این میثاق، آن است که دولت های عضو الزام ندارند تا بلافاصله پس از تصویب میثاق و لازم الاجرا شدن آن، تعهدات مندرج در میثاق را انجام دهند. بلکه باید به تدریج و با توجه به امکانات و احیاناً کمک گرفتن از مراجع بین المللی، در راه اجرای میثاق و تعهدات موضوع آن گام بر دارند. دولت با امضاء این میثاق، فوراً متعهد نمی شود که حقوق مندرج در آن را به مرحله اجرا درآورد، بلکه متعهد می شود با حداکثر استفاده از منابع موجود خود اقداماتی را در تحقق تدریجی اجرای این حقوق به عمل آورد. ولی در مورد میثاق، دولت ها موظف هستند دوماورد را فوراً اجرا کنند؛ یکی

تضمین این امر که حقوق مندرج در این میثاق بدون تبعیض اجرا خواهد شد. دوم اینکه، دولت‌ها نسبت به برداشتن گام‌هایی برای اجرای حقوق ذکر شده در میثاق، متعهد شوند. دولت ایران، میثاق مزبور را بدون قید و شرط اعلامیه پذیرفته و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ به تصویب مجلسین رسانده است. (کی‌نیا، ۱۳۸۴)

### حق سکوت در اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری به این حق متهم که بتواند آزادانه از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی به سوالات یا امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد: ...- مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.» در همین راستا کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) در بند ۲ ماده ۴۰ از دولتهای عضو خواسته است که در تضمین حق دفاع کودکان در مراجع قضایی به این موضوع، توجه کنند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سند دیگری است که در آن به حق سکوت متهم تصریح شده است. به موجب مواد ۵۵ و ۶۷ اساسنامه مزبور، متهم مجبور به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون این که این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی او داشته باشد. بدین ترتیب عدم امکان اجبار متهم به اعتراف یا شهادت و حق سکوت نزد مقامات انتظامی و قضایی در حقوق بین‌الملل به یک قاعده عرفی تبدیل شده است و همه دولتها مکلف به رعایت آن هستند. (صادقی، ۱۳۸۸: ۴۵)

### نتیجه‌گیری

یکی از شرایط ایجاد دادرسی عادلانه برخورداری متهم از حق داشتن وکیل است. اهمیت حضور وکیل مدافع در کنار سایر اوصاف دادرسی عادلانه به حدی است که در چند کنوانسیون مهم، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر نه تنها از آن نام برده شده بلکه حکومت‌ها را به تأمین زمینه‌های اجرایی آن موظف کرده است. در اصل ۳۵ قانون اساسی کشور ما نیز بر حق تعیین وکیل از سوی اصحاب دعوا، تأکید شده است.

از آنجا که متهم در مقابل نظام عدالت کیفری تنهاست و جامعه و نماینده دادستان و وکیل شاکی در مقابل وی مبادرت به طرح، اقامه و تعقیب دعوی کیفری می‌کند، به همین علت در همه دنیا مرسوم است که ابتدای روز تعقیب، حتی قبل از بیان هر گونه مطلبی، متهم از همراهی، مشاوره و مداخله یک وکیل استفاده کند.

در قانون آیین دادرسی کیفری ما نیز به این امر توجه شده است. با توجه به صراحت ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند یک وکیل همراه خود داشته باشد و وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در تحقیق و پس از پایان تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و اجرای قوانین لازم می‌داند به قاضی اعلام کند و اظهارات او در جلسه منعکس می‌شود» بنابراین حضور وکیل به‌عنوان یک حق برای متهم باید تلقی شود. در واقع آنچه با توجه به تجارب عملی و فلسفه قانون‌گذاری و بنیان حق دفاع باید گفت؛ وکیل باید از ابتدای دعوت متهم، به‌عنوان وکیل مدافع وی در نیروی انتظامی تا زمان اجرا، حاضر، ناظر و مدافع موکل خود باشد. ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند یک وکیل همراه خود داشته باشد و وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در تحقیق و پس از پایان تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و اجرای قوانین لازم می‌داند به قاضی اعلام کند و اظهارات او در جلسه منعکس می‌شود»

اصولاً نظر به پیچیدگی روابط حقوقی، طرح ادعا و یا دفاع در مقابل ادعا امری تکنیکی، فنی و حرفه‌ای است. قاضی دادگستری در امور حقوقی بیطرف و در امور کیفری در مرحله دادرسی به دنبال حقیقت و واقعیت بر اساس مستندات موجود است. در مرحله دادگاه نیز قاضی کیفری بین‌ادعانه دادستان و مدافعان متهم بی‌طرفانه به قضاوت می‌نشیند. به‌طور قطع با توجه به تخصصی بودن موضوع افراد عادی نمی‌توانند هم در خصوص شکل ادعا و دفاع و هم در خصوص ماهیت آن به خوبی از عهده مراجعه به مراجع قضایی و دفاع از حقوق خود برآیند، در نتیجه از قدیم‌الایام تاکنون به ویژه در قرن حاضر از خدمات وکلای دادگستری یا افرادی که در این رابطه تبحر و تجربه کافی دارند استفاده می‌کنند. قانون آیین دادرسی مدنی به‌طور مشخص حضور وکیل را در دادرسی‌ها پیش‌بینی کرده و طرفین می‌توانند از ابتدا تا انتها بدون این که حضور داشته باشند از خدمات رفاهی و وکالتی وکلا استفاده کنند.

بعضی از مراجع با استناد به دو مطلبی که در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات را با مانع روبه‌رو می‌کنند: نخستین مورد، تمسک به جمله بدون مداخله در امر تحقیق و فقط پس از خاتمه تحقیقات از متن این ماده است؛ به عبارتی برخی معتقدند که متهم می‌تواند همراه وکیل خود در دادگاه حاضر باشد اما وکیل فقط باید بعد از آخرین جلسه که تحقیقات خاتمه می‌یابد، دفاعیات خود را اعلام کند.

قاضی دادگستری در امور حقوقی بیطرف و در امور کیفری در مرحله دادرسی به دنبال حقیقت و واقعیت بر اساس مستندات موجود است. در مرحله دادگاه نیز قاضی کیفری بین ادعای دادرسی و مدافعات متهم بی‌طرفانه به قضاوت می‌نشیند؛ اما وکیل به عنوان محافظ متهم در جلسات دادرسی و تحقیق شرکت نمی‌کند بلکه وکیل در این جلسات شرکت می‌کند تا هر جا که لازم بداند با اجازه بازپرس از موکل خود دفاع کند.

البته طبیعتاً چون سیستم بازرسی تفتیشی است و باید توسط مقام قضایی انجام شود، تحقیقات ابتدا باید بدون مداخله وکیل انجام و وکیل فقط می‌تواند در کنار موکل خود حاضر باشد اما وقتی تحقیقات از متهم تمام شد، وکیل می‌تواند به دفاع از متهم و موکل خود بپردازد. برای مثال او می‌تواند به کارشناسی یا انتخاب آن، اقدامات خلاف قانون در جریان تحقیقات یا گزارش نیروی انتظامی اعتراض کند و این رویه می‌تواند تا آخرین جلسه ادامه داشته باشد. دومین مورد که برخی از قضات از آن استنباط می‌کنند، تبصره ماده ۱۲۸ است که در آن آمده: در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم ممکن است باعث فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مراحل تحقیق فقط با اجازه دادگاه خواهد بود.

طرح اتهام، متهم را وارد فرایندی می‌کند که حقوق و الزاماتی خاص بر آن مترتب است. حق برخورداری از دادرسی عادلانه امری است که تقریباً در تمام اسناد حقوق بشری چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای شناسایی شده است. الزامات حاکم بر این فرایند ایجاب می‌کند که دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری از اتخاذ تصمیم‌های محدودکننده احتراز نمایند؛ بنابراین ضروری است تمام امکانات را در اختیار متهم قرار دهند تا وی بتواند از خود دفاع کرده، بی‌گناهی‌اش را ثابت کند و یا حداقل از محکومیت بیش از استحقاقش جلوگیری نماید. نهادهای واکنش اجتماعی بالاخص نظام عدالت کیفری بدون رعایت این حقوق و الزامات، در مسیر اجرای عدالت گام بر نداشته‌اند. از جمله حقوقی که متهم در فرایند رسیدگی از آن بهره می‌برد، حق برخورداری از معاضدت وکیل مدافع در کلیه مراحل رسیدگی-از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی- است. در این نوشتار با تکیه بر معیارهای دادرسی عادلانه و اسناد مهم حقوق بشری، رویکرد قانونگذار ایران در خصوص حق برخورداری متهم از معاضدت وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

"برخورداری متهم از معاضدت وکیل مدافع" در فرایند دادرسی کیفری است. کیفری نیز به نوبه خود مقررات صدر ماده ۸۲۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای حقوق متهم و جامعه لازم است شخص ثالثی با عنوان وکیل در فرایند کیفری دخالت خلأ این اصل زمانی روشن‌تر می‌شود که متهم در نتیجه قرار تأمین کیفری بازداشت شده و به دلیل ضعف مالی توان انتخاب وکیل نداشته باشد و نظام عدالت کیفری با ۵۱-۳۲۱ لایحه قانون آیین دادرسی کیفری نیز استقلال قضات تحقیق تعیین شده است. ۳- انتخاب وکیل تسخیری برای متهم در تمام مراحل دادرسی به ویژه در طبق ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری یکسو تحقیقات مقدماتی جرایم طبق ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای ولی این برداشت، طبق ماده قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۸۷۹۱ که بازپرس را ضابط دادگستری محسوب نموده و ضابطان نمی‌باشد و طبق بند (و) ماده ۳ اصلاحی اصل بر این است که تحقیقات مقدماتی (۲)- ماده ۴۳-۱۲۱ لایحه آیین دادرسی کیفری: تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید ماده ۲۳ و ۵۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۸۷۳۱ و (۱)- بعضی از حقوقدانان بر این اعتقادند که وکیل متهم طبق مقررات صدر ماده ۸۲۱ حق مداخله در (۳۱/۲/۳۸) حق متهم مبنی بر همراه داشتن وکیل در تمام مراحل دادرسی کیفری را یکسان باشد، پس ضروری است برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی حداقل در جرایم مهم، امکان انتخاب وکیل تسخیری پیش‌بینی شود. اصل ۵۳ قانون



اساسی به منظور تضمین دادرسی عادلانه به خوبی حق متهم به با اصل ۵۳ قانون اساسی مجبات رعایت حقوق دفاعی متهم را نیز فراهم آورد.".

## منابع و مأخذ

۱. آشوری، محمد، (۱۳۸۹) «عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی»، تهران، نشریه مؤسسه تطبیقی. ج نهم
۲. آشوری، محمد. (۱۳۹۲). عدالت کیفری: مجموعه مقالات. نشر دادگستر.
۳. آشوری، محمد. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ج ۲۱.
۴. حاجی تبار فیروز رجائی، حسن، (۱۳۹۱) بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۰) بزه دیده شناسی، انتشارات شهر دانش، جلد یکم، چاپ اول، تهران.
۶. سلجوقی، محمود، (۱۳۹۰) حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات میزان، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، پاییز.
۷. صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم.
۸. کی نیا، مهدی، (۱۳۸۴) جرم شناسی، تهران، مجتمع علمی فرهنگی مجد، چاپ ششم.
۹. گلپایگانی، محمد رضا: (۱۳۶۲) «مجمع المسائل»، موسسه دار القرآن الکریم، قم جلد نهم.
۱۰. الماسی، نجادعلی، (۱۳۹۲) حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات میزان، چاپ ۱۲، تهران، بهار.
۱۱. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، انتشارات میزان، چاپ ۱۴، زمستان ۱۳۸۸.
۱۲. ناصر زاده، هوشنگ (۱۳۹۲) اعلامیه های حقوق بشر تهران، انتشارات ماجد.
۱۳. نصیری، محمد، (۱۳۹۱) حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات آگه، چاپ ۲۶، تهران.
۱۴. ویلیامز، فرانک پی، مک شین، ماری لین دی (۱۳۹۱)، نظریه های جرم شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، انتشارات میزان، چاپ چهارم، تهران.
۱۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۶. هاشمی، سید محمد، (۱۳۹۴) «حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت»، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۷. یوسفی، مراغه، مهدی، (۱۳۹۱) خدمات رسانی به بزه دیدگان، تهران، چ اول، انتشارات جاودانه، جنگل.

# A Comparative Study of Right Declaration in the Code of Criminal Procedure and International Acts

Mohammad Ali Qasemi, Mohammad Moghaddamfard

*M.A student of the Department of Law, Islamic Azad University, Nourabad Mamasani Branch*

*Lecturer of Department of Law, Islamic Azad University, Nourabad Mamasani Branch*

---

## Abstract

This study aims to compare right declaration between the Code of Criminal Procedure and international acts. Certainly, fulfillment of justice and implementation of rights in the community has always been among the social concerns of heavenly leaders and thinkers of the world as it is closely connected with the extent to which citizens' judicial security is supplied. Criminal justice has been one of the most important human aspirations throughout history and its fulfillment will rely on a fair trial along with the litigation and defense rights. From the perspective of substantive law, Article 34 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran has recognized the right for litigation and right declaration and has predicted in Article 570 of the Islamic Penal Code the legal sanctions for violation of this principle which leads to renouncement of a person's fundamental rights. Almost all of the acts having been adopted by international authorities so far agree on the fact that human beings have rights and freedoms which should be protected effectively and governments are required to take certain measures to restore people's rights if they are violated. The establishment of public order in an advanced society needs rules the content of which has already been assessed by sound criteria and which can preserve order in the society properly. Among all types of laws, criminal laws in general and the code of criminal procedures in particular play a major role in the establishment and sustainability of social order. The main goals of the code of criminal proceedings include prosecuting and holding legal proceedings and sentencing the criminals while preventing violation of their rights and protecting the noble and innocent people against undeserved convictions, which are all closely associated with the order of the domestic and international communities. Obviously, the economic, social and cultural rights are three interrelated components from a more general set in international treaties and conventions. These various components are associated with civil and political rights as well. At the core of social rights is the right to have an adequate standard of living (Article 25 of the Universal Declaration of Human Rights, Article 11 of the Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, and Article 24 of the Convention Rights of the Child). The use of these rights requires that anyone have the fundamental rights of living - the right to have adequate food, water, clothing, housing and care requirements.

**Keywords:** right, right declaration, Code of Criminal Procedure, international acts

---